

World War II in Europe  
Philip Gavin  
Lucent Books, 2004

# جنگ جهانی دوم در اروپا

فیلیپ گاوین

ترجمه مهدی حقیقت خواه



۸۷۶ - ۲۹۶ - ۱۱۷ - ۳۷۹ - ۲ - ۲۰۱۳  
ISBN: 978 - 964 - 311 - 674 - 3

www.dopnos.ir

Printed in Iran

۰۰۰۲۲۲۰۰

فهرست

۹. پیشگفتار: میراث ویرانگری
۱. برآمدن هیتلر..... ۱۵
۲. چیرگی بدون خونریزی: سیاست گانگستری هیتلر..... ۳۱
۳. جنگ برق آسا..... ۴۹
۴. در پی فضای حیاتی: حمله سرنوشت ساز به روسیه..... ۶۷
۵. قدرت مطلق - وحشت مطلق..... ۸۱
۶. نبرد با تمام دنیا..... ۹۷
۷. سقوط آلمان نازی..... ۱۱۱
- یادداشت ها..... ۱۲۹
- برای مطالعه بیشتر..... ۱۳۳
- آثار مرجع..... ۱۳۵
- نمایه..... ۱۳۹

انورث هیتلر در پستامگاه  
زیسز و پترش در برلین  
خودکشی من گند هفت روز  
بعد نیروهای آلمان ۱۹۴۵ میلادی  
شرط تسلیم متفقین یکی پانزده مقاله  
روزان به  
۶۰ صفحه

۱۳ مه ۱۹۴۳  
سربازان آلمانی در شمال  
آفریقا به بریتانیایی ها و  
آمریکایی ها تسلیم  
می شوند

نیروهای ام ای اس. دست به  
قتل عام در روسیه آلمانی  
می زنند.

۸۶۶۱ پانزده ۶-۱  
در خدمت سینه لوزن  
دک در آن وحشت

۶۶۶۱ پانزده ۶  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
آلمان نازی و ایالات متحده  
مجلس سولگدا ناما

۶۶۶۱ پانزده ۶  
ناتسا در پانزده  
چهار سال از  
آلمان نازی ها آزاد

۲۰ نوامبر ۱۹۴۵  
دفاتر نیروی متحرک برای  
مهاجران سرباز نازی به  
۸۶۶۱ پانزده ۶  
روزان به  
۶۰ صفحه

۸۶۶۱ پانزده ۶  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴

۶۶۶۱ پانزده ۶  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴

۱۹۴۰  
آلمان نازی و  
خبریه پس از ۲۵  
۶۶۶۱ پانزده ۶  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۲۱ آوریل ۱۹۴۵  
ارتش روسیه به  
برلین می روند

۲ فوریه ۱۹۴۳  
۸۶۶۱ پانزده ۶  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴

۶۶۶۱ پانزده ۶  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴  
۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴

## پیشگفتار

### میراث ویرانگری

در سپیده دم جمعه اول سپتامبر ۱۹۳۹، یک سپاه بزرگ آلمانی، در اطاعت از فرامین آدولف هیتلر فرمانده کل خود به کشور همسایه لهستان حمله و هر چه را بر سر راهش بود ویران کرد. این حمله بی دلیل آلمان نازی سرآغاز جنگی شش ساله در اروپا بود که به مرگبارترین درگیری تاریخ تبدیل شد و جان تقریباً پنجاه میلیون نفر را گرفت.

مردم آلمان، که مشکلات حیرت‌انگیز اقتصادی و سیاسی دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ آن‌ها را به ستوه آورده بود، پیروی کورکورانه از رهبر پر جنب و جوشی را برگزیدند که وعده می‌داد زندگی آن‌ها را بهبود بخشد و شکوه و افتخار آلمان را احیا کند. اما هیتلر، پس از دستیابی به قدرت کامل در آلمان، به جای عمل به وعده‌هایش برنامه مرگبار خودش را در پیش گرفت که شامل تسخیر اروپا و روسیه و نابودی جمعی اشخاص نامطلوب، به ویژه یهودیان، بود.

شایان توجه است که اکثر آلمانی‌ها طرفدار جنگ جدید هیتلر نبودند. آن‌ها دو دهه پیش که ارتش آلمان در جریان جنگ جهانی اول تلاش نافرجایی برای تسخیر اروپای غربی کرده بود متحمل تلفات دهشتناکی شده بودند. اما در ۱۹۳۹ که هیتلر اعلام کرد که آن‌ها دوباره در حال جنگ هستند، آن‌ها با پیشوای خود همراهی کردند و از پیشروی سربازان هیتلر در پهنه اروپا و تسخیر به ظاهر آسان کشورها یکی پس از دیگری شادمان شدند.

### ابعادی بی سابقه

شروع جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹ تمام انگاره‌های جنگ سنتی را به چالش کشید. اکثر جنگ‌های پیشین اروپا عمدتاً در طول خطوط سنتی و در میدان‌های نبرد روستایی و دور از نواحی پُرجمعیت صورت می‌گرفت. این امر به ارتشیان میدان مانور بیش‌تری می‌داد، تلفات غیرنظامیان را به حداقل می‌رساند و میراث فرهنگی و معماری اروپا را حفظ می‌کرد.

اما در جنگ جهانی دوم، جمعیت غیرنظامی دیگر از پیامدهای جنگ مصون نبودند. بلکه برعکس، هدف ارتشیان و نیروی هوایی مهاجم هیتلر قرار می‌گرفتند تا وحشت و آشفته‌گی عمومی ایجاد و در نتیجه از توانایی رهبران دولتی و نظامیشان در نشان دادن واکنش کاسته شود.

بالاتر از همه، غیرنظامیانی که از ارتش در حال پیشروی آلمان می‌گریختند از هواپیماهای جنگنده هیتلر در هراس بودند. این هواپیماها ناگهان سروکله‌شان پیدا می‌شد و خانواده‌های بی‌پناه را در طول جاده‌های پرازدحام به رگبار مسلسل می‌بستند و سپس ناپدید می‌شدند و پشت سر خود ردی از رنج و عذاب بر جا می‌گذاشتند. برای کسانی که زنده می‌ماندند و برای بقیه جمعیت غیرنظامی اروپا، تسخیر گریزناپذیر کشورشان به دست هیتلر به معنای از دست دادن بی‌درنگ آزادی بود، چون بلافاصله نازی‌ها وضعیت پلیسی برقرار می‌کردند و هر کس مقررات جدید را نقض می‌کرد با مجازات شدیدی مواجه می‌شد.

در ژوئن ۱۹۴۱ که هیتلر تلاش برای گسترش امپراتوری‌اش را به داخل خاک روسیه آغاز



شه‌ر نشینان فرانسوی در جریان یک حمله هوایی نازی‌ها با دار و ندارشان می‌گریزند. هواپیماهای جنگنده نازی به عمد اهالی غیرنظامی را هدف قرار می‌دادند و غالباً خانواده‌های در حال فرار را به رگبار مسلسل می‌بستند.

کرد، کشتار غیرنظامیان را در آن‌جا به عنوان یک عنصر حیاتی استراتژی کلی‌اش برای پیروزی در نظر گرفت. بدین ترتیب، نیروهای مسلح و واحدهای امنیتی آلمانی، به پیروی از دستورات رهبرشان، به کشتار غیرنظامیان در مقیاسی بی‌سابقه روی آوردند.

### اصول اخلاقی ضد اخلاقی

پیروان آدولف هیتلر گرچه شهروندان کشوری بودند که در گذشته فیلسوفان، دانشوران و نویسندگان برجسته‌ای تربیت کرده بود، از انگاره‌های اخلاقی سنتی رویگردان شدند و ذهنیت مطلق‌گرایی را پذیرفتند که هیتلر با دغلكاری فراهم آورده بود و به موجب آن مقدر بود انسان‌های قوی‌تر و ظاهراً برتر تسلط یابند و حتی موظف بودند ضعیف را نابود سازند. به کودکان آلمانی این عقیده تعلیم داده می‌شد که وظیفه مقدسشان اطاعت بی‌چون و چرا از تمام دستورات مافوق است. همه اعضای ارتش و کارکنان غیرنظامی سوگند یاد می‌کردند که شخصاً از هیتلر اطاعت کنند. خود اطاعت در آلمان نازی چنان هاله‌ای از تقدس پیدا کرد که وقتی دستور حمله به یک کشور یا کشتار غیرنظامیان بی‌پناه داده می‌شد، فوراً به اجرا در می‌آمد.

در نظر هیتلر، و در نتیجه در نظر مردم آلمان، پیروزی تنها چیزی بود که اهمیت داشت. آن‌ها برای دستیابی به پیروزی، جان خود را مشتاقانه فدا می‌کردند، یا هر وقت که از سوی یک مقام بالا ضروری انگاشته می‌شد جان افراد بی‌شماری را می‌گرفتند. از این رو، اروپا و روسیه تحت حکومت وحشتی قرار گرفتند که در آن جان انسان ارزشی نداشت.

### بزرگ‌ترین دشمن هیتلر

تا تابستان ۱۹۴۱، هیتلر به واقع در آستانه پیروزی بود و بر امپراتوری‌ای فرمان می‌راند که از پاریس تا حومه مسکو امتداد داشت. اما هیتلر، با حمله به روسیه شوروی، ژوزف استالین را به دشمنی با خود واداشته بود. استالین نیز مانند خود هیتلر دیکتاتوری بی‌رحم بود و برای جان انسان‌ها ارزشی قایل نمی‌شد. این کار صحنه را برای درگیری عظیم بین دو مستبد قدرتمند و مصمم، که می‌خواستند آینده اروپا و جهان را تعیین کنند، آماده ساخت.

هیتلر و استالین به دفعات تمام منابع مادی و انسانی موجود خود را در جاهایی چون استالینگراد و کورسک بر ضد یکدیگر به صحنه آوردند. هشتاد درصد کل تلفات ارتش